

تحلیل معناشناختی حسنات و اعمال صالح در قرآن کریم بر اساس نظریه ایزوتسو

طاهره محسنی^۱

چکیده

اعمال انسان، موجب سعادت و شقاوت او در دنیا و آخرت می‌شود و چون انسان زندگی ابدی در پیش دارد، چگونگی عمل او در دنیا، و فراهم آوردن توشه برای آخرتش، حایز اهمیت است. قرآن برای نظام‌مند کردن ذهن مخاطب و ایجاد تحول در اندیشه مخاطب از شبکه معنایی گسترده‌ای بهره گرفته است. مقاله حاضر بر آن است با شیوه تحلیلی و توصیفی به گستره معنایی حسنات و اعمال صالح در قرآن بر اساس نظریه معناشناسی ایزوتسو - که با تحقیق در واژگان، طرز نگرش قرآن به واژگان در دو محور خرد و کلان هم‌نشینی و جان‌نشینی را کشف می‌کند - بپردازد. یافته‌های تحقیق حاضر حکایت از آن دارد که حوزه معنایی حسنات و اعمال صالح از پربسامدترین واژگان قرآنی به شمار می‌رود که بر اساس نظریه معناشناسی ایزوتسو بین آن‌ها رابطه عموم خصوص مطلق برقرار است؛ زیرا دامنه حسنات عام می‌باشد و اعمال صالح و ثواب را شامل می‌شود، در حالی که برخی از حسنات عمل صالح محسوب نمی‌گردند.

واژگان کلیدی: حسنات، اعمال صالح، گستره معنایی، نظریه، ایزوتسو.

۱- دکترای تفسیر تطبیقی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران t.mohseni@isu.ac.ir

مقدمه

قرآن کریم پیوسته بر تدبر در آیات تأکید دارد: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص ۲۹/۱)، «[این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند، و خردمندان پند گیرند.» با مطالعه معناشناسی آیات، می‌توان به شبکه‌ای منسجم از معانی دست یافت که در آن آیات به کمک یکدیگر تبیین، و مجموع آیات در کنار یکدیگر ما را به فهم دقیق‌تر خواهد رساند. توشیهیکو ایزوتسو^۱، زبان‌شناس و قرآن‌پژوه ژاپنی برای نخستین بار الگویی از معناشناسی ساختگرای واژگانی را وارد حوزه مطالعات قرآنی کرد؛ روش پیشنهادی وی از سوی قرآن‌پژوهان مورد استقبال قرار گرفت و آثار متعددی بر پایه این روش در جهان اسلام پدید آمد. (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۵) این روش سعی دارد از طریق تحقیق در کلمات قرآن طرز نگرش قرآن را کشف کند، به همین دلیل کلماتی که نقش قطعی در ساختن جهان بینی قرآن دارد، کلمات کلیدی قرآن خوانده شده، و هر کدام از این کلمات زیرمجموعه‌هایی دارند که با آن کلمه کلیدی در ارتباط است (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۱-۲۶). از آن‌جا که واژگان، عبارت از تعداد بی‌شمار لایه‌های ارتباطات به‌هم وابسته یا حوزه‌های اشتراک تصویری است که هر یک از آن‌ها متناظر با دل‌بستگی و علاقه مندی غالب یک جامعه در دوره‌ای از تاریخ آن است؛ از همین رو جنبه و سیمایی از کمال مطلوب‌ها و بلندپروازی‌ها و اشتغالات آن را در بر دارد. (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۲۷) از میان حوزه‌های معنایی متعدد در قرآن، به جهت بنا بودن اصل داوری در قیامت برای ارایه اعمال انسان و رسیدگی به آن‌ها، در بخشی گسترده از آیات قرآن به «اعمال» انسان پرداخته شده است؛ به همین دلیل بررسی گستره معنایی حسنات و اعمال صالح، محور پژوهش حاضر است. «حسنة» نعمت خوش آیند و شادکننده‌ای را گویند که به انسان می‌رسد. این واژه در قرآن کریم، گاه به معنای عام آمده که شامل هر کار نیکی می‌شود و عمل صالح یکی از مصادیق آن است؛ گاهی نیز بالعکس، به معنای ثواب و نتیجه عمل صالح بیان شده است. پس بین حسنة و عمل صالح عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر عمل صالحی حسنة است، ولی هر حسنة‌ای عمل صالح نیست. در این پژوهش ابتدا به مفهوم عمل و فعل اشاره و حوزه‌های معنایی حسنات و عمل صالح مشخص می‌گردد. سپس معانی حسنات و اعمال صالح از دیدگاه قرآن کریم بر پایه نظریه معناشناسی ایزوتسو و با توجه به دو محور خرد و کلان و همنشینی و جان‌نشینی واژگان مورد بررسی قرار می‌گیرد، و در پایان جدولی بر اساس همین نظریه برای بیان مفهوم شناسی این دو واژه پر بسامد قرآنی ارایه می‌شود. لازم به ذکر است در برگردان آیات قرآن به زبان فارسی از ترجمه محمد مهدی فولادوند استفاده شده است.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

آثاری متعدد در مورد نظریه معناشناسی ایزوتسو به نگارش در آمده است، از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- مقاله «تحلیلی بر معناشناسی واژه «کبد» در قرآن کریم با الهام از روش توشیهکو ایزوتسو» نوشته احمد اسدی، مجله ذهن، ۱۳۹۵، شماره ۲۱، صص ۲۰-۴۱. نظریه ایزوتسو را در واژه کبد در قرآن بررسی کرده است.

- مقاله «کاربرد معناشناسی در زمانی در تبیین مفاهیم اعتقادی قرآن: مفهوم الله از نگاه ایزوتسو» نوشته مهرداد عباسی، مجله مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۱۳۹۰، شماره ۱۷، صص ۱۷-۳۰، به بررسی واژه الله در نظریه ایزوتسو پرداخته است.

- مقاله «سنجش کارآمدی معناشناسی علامه طباطبایی و ایزوتسو در مفهوم صدق» از افراسیاب صالحی شهرودی، مجله پژوهش دینی، ۱۳۹۷، شماره ۲۳، صص ۲۷-۴۵، بررسی تطبیقی دیدگاه علامه و ایزوتسو در واژه صدق را مورد توجه قرار داده است.

- مقاله «معناشناسی واژه "مریه" و مشتقات آن در قرآن کریم بر اساس نظریه ایزوتسو با نقدی بر ترجمه مکارم شیرازی» نگاشته علی اکبر نورسیده و ابوالفضل ترابی، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، بهار ۱۳۹۹، شماره اول، پیاپی ۱۷، صص ۱۰۳-۱۲۴، معناشناسی واژه مریه را با رویکرد به نظریه ایزوتسو و نقد ترجمه مکارم شیرازی بر اساس آن مورد بررسی قرار داده است.

همچنین پژوهش‌هایی مستقل نیز درباره حسنات و اعمال صالح انجام گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- مقاله «عمل صالح از منظر قرآن کریم» کامران ایزدی مبارکه، نشریه ایحاء، ۱۳۹۱، صص ۱۷-۳۱، رابطه عمل صالح با ایمان، آثار عمل صالح، مقتضیات و موانع عمل صالح را بررسی نموده است.

- مقاله «نگاهی به عمل صالح از دیدگاه قرآن» سید مهدی حسینی عربی، نشریه رسالت، ۱۳۸۵، شماره ۶۰، صص ۲۷-۴۲، اعمال صالح را از دیدگاه قرآن بیان داشته است.

- پایان نامه «عمل صالح در قرآن و حدیث» حسین صادقی (۱۳۷۷) کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، در این پایان نامه مصادیق عمل صالح از دیدگاه قرآن و حدیث معرفی شده اند.

- پایان نامه «عمل صالح و پیامدهای آن در قرآن» علی اکبر امیر احمدی (۱۳۷۷)، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، که در آن اثرات عمل صالح در قرآن تبیین گشته است.

و نگاشته های بی شمار دیگر که حکایت از آن دارد در پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه انجام گرفته است و به برخی از آن‌ها نیز اشاره شد، اعمال صالح در قرآن مورد توجه قرار داشته، اما تحقیقی که بیانگر

گستره معنایی حسنات و اعمال صالح از دیدگاه قرآن و حدیث بر اساس نظریه ایزوتسو باشد، یافت نگردید. از این رو، شناخت معنای حقیقی حسنات و اعمال صالح در سیستم قرآنی با رویکرد به دیدگاه‌ها و اندیشه‌های این زبان‌شناس و معناشناس برجسته معاصر بخش مهم این پژوهش را دربر می‌گیرد؛ زیرا در این سیستم با ابعادی جدید از این دو واژه آشنا می‌شویم که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

۱. نظریه معناشناسی ایزوتسو چگونه می‌تواند در فهم کلمات قرآن کریم به‌ویژه واژگان مورد نظر این پژوهش ما را یاری نماید؟
۲. حسنات و اعمال صالح به چه معنایی هستند و با توجه به مؤلفه‌های اصلی این نظریه چه گستره‌ای دارند؟
۳. ارتباط میان حسنات و اعمال صالح در قرآن با گرایش به این نظریه چگونه بیان شده است؟
۴. آیا این دو واژه با یکدیگر با عنایت به دو محور هم‌نشینی و جان‌نشینی در نظریه یادشده در مصادیق خود از منافات و تناقض برخوردار هستند یا به هم‌سویی و ترادف نزدیک می‌گردند؟

۱-۳. فرضیه‌های پژوهش

۱. ایزوتسو، قرآن پژوه ژاپنی از روش معناشناسی نوین برای فهم اصطلاحات کلیدی و اخلاقی قرآن بهره گرفته است.
۲. قرآن کریم یکی از منابع تبیین واژه‌های قرآنی به شمار می‌آید.
۳. حسنات و اعمال صالح از واژگان قرآنی هستند که رابطه عموم خصوص مطلق دارند.

۱-۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

فهم مفردات و تک واژه‌های قرآن برای مسلمانان، امری ضروری است. از سیر بحث درباره تک واژه‌های قرآن، چنین بر می‌آید که در طول تاریخ، چپستی واژگان به کمک اشعار، ضرب‌المثل‌های عربی، و کاوش‌های علوم ادبی اعم از لغت و صرف و نحو و بلاغت و دیگر دانش‌های وابسته و آیات و روایاتی که لفظ مشابه در آن به کار رفته تبیین شده‌اند و آنچه مورد غفلت واقع شده، بررسی ارتباط سیستماتیک و زنجیره‌ای کلمات قرآن با یکدیگر است. در دهه‌های اخیر این موضوع مورد توجه زبان‌شناسان و معناشناسان و نشانه‌شناسان بزرگ قرار گرفته است. این فرایند تاریخی ضرورت و اهمیت پرداختن به واژگان مورد نظر پژوهش را گریزناپذیر می‌سازد.

۱-۵. روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیلی و توصیفی، با مراجعه به متون تفسیری و بررسی آیات قرآن، و با استفاده از نظریه معناشناسانه ایزوتسو، به بیان گستره معنایی حسنات و اعمال صالح در قرآن پرداخته است.

۲. معنا شناسی^۱

معناشناسی دانشی است که ابزاری جدید برای کشف دلالت الفاظ در اختیار قرآن پژوهان قرار می‌دهد. آنچه در علم معناشناسی ارتباط تنگاتنگ با دانش تفسیر دارد، «معناشناسی زبانی است که درون زبانی و با مطالعه معنا به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در فهم معنا از طریق زبان است. در این معناشناسی اعتقاد بر این است که معنای یک واژه را می‌توان بر اساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی تعیین کرد» (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۵۷-۱۵۸) بافت زمانی بر محیط زبانی یک واحد زبان؛ یعنی بر روابط دستوری و معنایی این واحد با دیگر واحدهای زنجیره گفتار با متن دلالت دارد، واحدهای مطالعه این نوع معنا، واژه و جمله محسوب می‌شوند. (صفوی، ۱۳۸۰: ۲۱۳) گام نخست در معناشناسی عبارت از معناشناسی واژگان، معناشناسی جملات یا معناشناسی نسبی، شبکه معنایی واژگان و گام دوم بررسی واژگان کلیدی در دو محور خرد و کلان است. (ایزوتسو، ۱۳۷۳: ۱۴-۱۳)

۲-۱. معناشناسی در محور خرد^۲

در این نوع معناشناسی با کاوش در معنای لغوی و اصطلاحی هر واژه، مؤلفه های معنایی آن تعیین می‌شوند. مؤلفه های معنایی، مشخصه هایی هستند که ویژگی های ممیز مفاهیم را از طریق ایجابی یا سلبی نشان می‌دهد. از روش های سنتی مطالعه مفاهیم، توصیف هر مفهوم برحسب مجموعه ای از مؤلفه های معنایی با شرایط لازم و کافی است، شرایطی که باید در نظر گرفته شود تا مفهومی دانسته شود. اگر بتوان آن مفهوم را از سایر مفاهیم متمایز کرد، شرط کافی تلقی خواهد شد. (صفوی، ۱۳۸۰: ۷۱) تحلیل معنا از طریق مؤلفه های معنایی، تحلیل مؤلفه ای نام دارد که در بررسی روابط مفهومی کاربرد فراوان دارد. (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۴۷) برای دستیابی به مؤلفه های معنایی یک واژه دو راه ریشه یابی (اشتقاق) و سیاق ضروری است.

الف- ریشه یابی یا اشتقاق: در اشتقاق به منظور درک مؤلفه های معنایی واژه در لغت، اسم ذات و معنای لغوی آن واژه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب- سیاق: در سیاق، موارد کاربرد واژه در متن جستجو و مؤلفه های مربوط به سیاق استخراج می‌گردد. رسیدن به مفاهیم بلند قرآن نیاز به تأمل در ماقبل و مابعد آیه و توجه به روند کلی کلام، یعنی سیاق که همان چینش و نظم خاص کلمات است، دارد به گونه ای که گاهی افزون بر معنای هر یک از کلمات، در معنای جمله، معنایی دیگر را نیز برای جمله به همراه دارد. سیاق نقشی مهم در شناخت مؤلفه های معنایی واژگان دارد؛

1. Semantics
2. Semantics on the micro axis

زیرا هر واژه متناسب با مؤلفه های معنایی خویش با واژگان هم معنای خود در همنشینی و با واژه های ملازم و متناسب در محور جانشینی قرار می‌گیرد و جایگاهی ویژه در جمله و متن پیدا می‌کند.

در نخستین گام در شناخت مؤلفه های معنایی، تمام آیات مربوط به واژه مورد نظر استخراج می‌گردد، پس از آن همنشین ها، جانشین ها و جایگاه واژه در جمله بررسی می‌شود. «در نگاه دیگر، معناشناسی زبانی بخشی از دانش زبان شناسی است که به مطالعه معنا در زبان می‌پردازد.» (صفوی، ۱۳۸۰: ۹۸) معناشناسی بر اساس بافت زبانی، معنا را بر حسب چگونگی توزیع واژه ها در گونه های مختلف کاربرد و با توجه به روابط همنشینی و جانشینی میان واحدهای زبان مورد بررسی قرار می‌دهد و به توصیف معنای واژه های نسبت به سایر مفاهیم مرتبط و بررسی روابط مفهومی می‌پردازد. (پالمر، ۱۳۸۰: ۱۵۹)

۲-۱-۱. روابط همنشینی^۱

وقتی یک جفت واژه با ویژگی های بنیادین مشترک کنار هم بر روی یک محور قرار می‌گیرند، این امکان وجود دارد که معنای واحدهای همنشین به یکدیگر منتقل گردد و این اثبات می‌کند که دستیابی به مؤلفه های معنایی یک واژه بدون بررسی همنشین های آن ممکن نیست. (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۹۶) اصول مشخص کننده ساخت درونی زبان، به دو مؤلفه اصلی تقسیم می‌شود: روابط همنشینی و روابط جانشینی. یکی از این دو رابطه مبتنی بر انتخاب بوده که آن را تداعی گویند، و دیگری مبتنی بر ترکیب است که همنشینی نامیده می‌شود. روابط همنشینی، پیوند عناصر زبانی را در زنجیرهای گفتار و جملات توجیه می‌کند و در اصل روابط موجود میان واحدهایی است که هر کدام یک مقوله دستوری و مکمل یکدیگر بوده و در یک زنجیره گفتار و جمله بر روی محور افقی در ترکیب با یکدیگر قرار می‌گیرند و واحدهای معنایی سطح بالاتر را تشکیل می‌دهند. (نورسیده، ۱۳۹۹، ۱۰۵؛ صفوی، ۱۳۸۰، ۲۷-۲۸)

۲-۱-۲. روابط جانشینی^۲

واژه در محور جانشینی ارتباط عناصر زبانی را با جانشین های آن ها توصیف می‌نماید و در اصل روابط موجود میان واحدهایی است که همگی از مقوله دستوری یکسانی بوده و روی یک محور عمودی قرار می‌گیرند و می‌توانند به جای یکدیگر بیایند و معنای جمله را تغییر دهند (باقری، ۱۳۷۸: ۴۲-۴۳)، اما در یک زنجیره گفتار و جمله فقط یکی از آن ها انتخاب شده و بقیه را نفی و طرد می‌کند و در همان سطح، واحد های معنایی تازه ای را پدید می‌آورد. (صفوی، ۱۳۸۰: ۲۸)؛ یعنی انتخاب یک کلمه مناسب از میان واژگان مشابه را جانشینی گویند. هنگامی که واژه الف جانشین واژه ب در بافتی یکسان، یا در بافتی که از نظر ساختمان صوری مشابه است، قرار می‌گیرد

1. Companionship
2. Substitution

خواه استعمال آن بیش‌تر یا کم‌تر از واژه ب باشد، این جانشینی در مؤلفه های معنایی هر دو واژه اهمیت زیاد دارد. (بی پرویش، ۱۳۶۳: ۳۰) با بررسی واژه در دو محور جانشینی و همنشینی در کنار سومین بعد مؤلفه های معنایی؛ یعنی جایگاه واژه در عربیت و سیاق می‌توان به مؤلفه های معنایی آن واژه دست یافت.

۲-۲. معناشناسی در محور کلان^۱

موضوعی که در مطالعه درون زمانی اهمیت دارد واحدهای هم حوزه به صورت هم زمانی مورد مطالعه قرار می‌گیرند، یعنی در فهم معنا عنصر زمان حذف می‌شود و تطورات واژگان در طول زمان لحاظ نمی‌شود، بلکه کل متن در یک مقطع زمانی فرض می‌گردد و مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این روش معناشناسی از سطح واژه و گزاره فراتر می‌رود و کل متن را معیار موضوع قرار می‌دهد، و عنصر زمان را حذف می‌کند. (ایزوتسو، ۱۳۷۳: ۳۹-۴۳)

۳. نظریه معناشناسی ایزوتسو

ایزوتسو معناشناسی را: «علم تحقیق در ماهیت و ساخت جهان‌بینی یک ملت، در فلان دوره خاص از تاریخ خواهد بود که به وسیله تحلیل روش‌شناسی مفاهیم و تصورات فرهنگی عمده‌ای که آن ملت برای خود فراهم آورده و در کلمات کلیدی زبان آن ملت حالت تبلور پیدا کرده است، صورت می‌گیرد.» می‌داند (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۴). بر پایه نظریه ایزوتسو، عبارت معناشناسی قرآنی به معنای «جهان‌بینی قرآن»، یعنی نحوه نگرش قرآن نسبت به جهان است. ایزوتسو برای رسیدن به معناشناسی قرآنی تلاش فراوان کرد. روش معناشناسی به عنوان روشی کارآمد در مطالعات قرآنی نقشی مؤثر در روش‌مندی‌سازی این دست از مطالعات دارد که نخستین تلاش‌ها در این زمینه توسط ایزوتسو صورت گرفته است. وی پایه مباحث معناشناسی خود را بر نظریه معنایی وایسگر و زبان‌شناسی قومی نهاد است. (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۵) بر اساس نظریه او زبان بر شیوه ادراک، تفکر و جهان‌بینی ما اثر می‌گذارد. هر زبانی تصویری متفاوت از واقعیات جهان خارج ارائه خواهد کرد که اختصاص به آن زبان دارد و مخاطبان آن زبان نیز جهان را آن‌گونه که زبانشان ترسیم می‌کند، درک می‌نمایند. مبانی ایزوتسو در معناشناسی، عبارت از وجود رابطه حداکثری بین زبان و تفکر، اندیشه جهان‌بینی زبانی و وجود نظام زبانی ذیل آن، و تمرکز بر مطالعه "در زمانی" هستند. (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۱۴۸-۲۲۲) مبنای "رابطه حداکثری میان زبان و تفکر"، یعنی زبان بسان الگویی است که بر اساس آن لایه‌های تفکر شکل می‌گیرد و در واقع زبان صرفاً تن پوشی برای تفکر خواهد بود که بدون آن امکان تفکر وجود ندارد. (سایپر، ۱۳۷۶: ۳۴-۳۵) مبنای "اندیشه جهان‌بینی زبانی"، یعنی فرد جهان را آن‌چنان که زبان برایش ترسیم می‌دارد درک کند؛ و از آن‌جا که زبان‌های مختلف تصاویری مختلف از جهان ارائه می‌دارند سخنوران زبان‌های مختلف جهان‌بینی‌های گوناگون خواهند داشت. (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۱۱؛ ۱۳۶۱: ۲۱) مبنای "وجود نظام

زبانی "نیز، یعنی زبان دارای یک نظام بوده و تحلیل معنایی در سطح واحدهای یک نظام قابل قبول است. (گیرترس، ۱۳۹۳: ۲۰-۲۱) از این رو واژه‌های یک زبان شبکه‌ای در هم تنیده‌ای را شکل می‌دهند که برای به دست آوردن این نقشه اساسی باید روح حاکم بر طبیعت و ماهیت کل آن نظام مورد تحقیق قرار گیرد. (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۳۶) هم‌چنین مبنای تمرکز بر مطالعات "در زمانی" تاکید بر عنصر زمان در آن و به معنای مجموعه‌ای از کلمات است که به صورت مستقل از هم توسعه و توضیح می‌یابند و گاه کاربرد واژه‌ای از آن متوقف می‌گردد و واژه‌های دیگر رواج و استعمالی بیش‌تر پیدا می‌کنند. از این رو، هر واژه دارای تاریخ و فراز و فرودهایی خواهد بود. (همان، ۳۹-۴۰)؛ زیرا در زبان‌شناسی جایی که پدیده‌های زبان را در لایه‌های متوالی مقاطع و دوره‌های مختلف زمانی بررسی کنند این مطالعه "در زمانی" خواهد بود. (باقری، ۱۳۷۸: ۳۶؛ مشکوة الدینی، ۱۳۷۶: ۷۶-۷۸) بر پایه رویکرد در زمانی، واژگان قرآنی را می‌توان به اعتبار یک کل همانند یک دستگاه در نظر گرفت؛ و آن را با دستگاه‌های دیگر به‌وجود آمده پس از اسلام مقایسه کرد. (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۴۲-۴۳)

۴. حسنات در لغت و اصطلاح

گرایش به فرایند معناشناسی در محور خرد و توجه به دو رویکرد ریشه‌یابی یا اشتقاق و سیاق - چینش و نظم خاص کلمات - برای دستیابی به مؤلفه‌های معنایی یک واژه ضروری است (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۴۷ و ۱۵۱؛ صفوی، ۱۳۸۰: ۲۷-۲۸ و ۱۹۶) یا به تعبیر ایزوتسو - چنان‌که گذشت :- گام اول معناشناسی جملات یا معناشناسی نسبی، شبکه معنای واژگان و گام دوم بررسی واژگان کلیدی در دو محور خرد و کلان است (ایزوتسو، ۱۳۷۳: ۱۳-۱۵) که در محور خرد، واژگان همنشین و جانشین بررسی می‌گردند.

حسنات از ریشه "حسن"، در مقابل سیئه و قبیح، در لغت به معنای زیبایی، نکویی، و چیزی که نفس و طبع انسان آن را بپذیرد، آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۵؛ وهبی، ۱۹۸۴: ۵۷۰/۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۴۳/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱۴/۱۳) واژه حسن، مفهومی گسترده نسبت به برخی واژگان همسوی خود، از جمله، عمل صالح، دارد. ایزوتسو معتقد است: «دلالیت کار نیک - حَسَن - بر عمل صالح در محدوده معنایی ریشه حُسن، کاری است که عمدتاً به صیغه مونث این واژه - حسنة - واگذار شده است. همان‌طور که واژه خیر به تنهایی واژه ای فوق العاده جامع است که می‌توان آن را در معنای دقیق و کاملاً مذهبی عمل صالح به کاربرد، واژه حسنه را نیز عیناً به همان معنا می‌توان استعمال نمود (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۵۸)؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء/۴۰)، «در حقیقت، خدا هموزن ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر [آن ذره، کار] نیکی باشد دو چندانش می‌کند، و از نزد خویش پاداشی بزرگ می‌بخشد.» به همین دلیل دامنه حسنات به حدی گسترده است که تمام مواهب مادی و معنوی و برنامه‌های اعتقادی، گفتاری، و اعمال خارجی، را در بر می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶/۱۸۱: ۲/۶۶)

حسنات، از پربسامدترین واژگانی است که برای مفهوم‌سازی افعال و اعمال در قرآن از آن بهره گرفته شده است. حسنة و حسنات در قرآن تنها و بدون همراهی با عمل به کار رفته‌اند، به گونه ای که شاهد ترکیب ایمان و عمل حسن نیستیم. این مطلب نشان‌دهنده آن است که تعابیر حسنة و حسنات کاربردهایی عام‌تر نسبت به فعل و عمل صالح دارند. خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا» (انعام/۱۶۰)، «هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت.» و آیه: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا» (هر کس نیکی به میان آورد، برای او [پاداشی] بهتر از آن خواهد بود) و آیه: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا» (نمل/۸۹)، «هر کس نیکی به میان آورد، برای او [پاداشی] بهتر از آن خواهد بود» در این آیات از وصف «حسنه» برای عمل نیک بهره گرفته شده است، و ظاهر آن‌ها هر گونه کار، فکر، و عقیده نیک و یا بد را شامل می‌گردد و هیچ‌گونه دلیلی بر محدود کردن معنای حسنة و سیئه در این آیات وجود ندارد. (مکارم شیرازی، همان، ۵۵/۶) همراهی جاء و حسنة در آیات مزبور، به عنوان شیء، مفهوم سازی شده که انسان با خود حمل می‌کند و به قیامت می‌آورد. به این معنا که خداوند در هیچ جای قرآن نفرمود «مَنْ فَعَلَ الْحَسَنَةَ» بلکه فرمود: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ» یعنی انسان باید یک قدرتی داشته باشد که بتواند این اعمال حسنه را با خود به عالم آخرت منتقل نماید؛ لذا در صحنه قیامت سوال نمی‌شود که در دنیا چه کرده ای، بلکه خواهند گفت چه با خودت آورده ای؟ از همین رو خداوند فرمود: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا» (انعام/۱۶۰)، «هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت.» این طور نیست که هر کسی کار خوب کند به او ده برابر دهند؛ بلکه شخصی از این نعمت بهره خواهد برد که بتواند آن را حفظ نماید. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۲۳/۲۷)

۴-۱. مراد از معنای حسنات در قرآن

در آیات قرآن، تعابیری گوناگون برای حسنات بیان و دامنه وسیع آن در سرتاسر قرآن نمایان است. برخی مفسران حسنات را دارای معنای خاص دانسته، و تعابیری چون کلمه توحید و لا اله الا الله، ایمان به خدا و پیامبر ﷺ، ولایت امیر مؤمنان و ائمه معصومین  را برای آن بر شمرده‌اند، به عنوان نمونه ایشان با توجه به آیه: «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (شوری/۲۳)، «این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است. بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی در باره خویشاوندان.» و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است» بیان می‌کنند، مودت آل محمد  «حُسْنًا» به معنای زیبایی است و خداوند بشارت می‌دهد به کسانی که ایمان آورده، عمل صالح انجام می‌دهند، و در مودت و محبت ذی القربی کوشا هستند، بر جزای آنان افزوده، و ده برابر و بیش‌تر به شمار می‌آوریم. (طیب، ۱۳۷۸:

۴۸۱/۱۵) از آن جا که حسنة به معنای نعمت خوش آیندی است که در نتیجه اعمال و افعال به انسان می‌رسد؛ در این آیات حب اهل بیت علیهم‌السلام که یکی از معانی حسنات می‌باشد به معنای ثواب و نتیجه اعمال او محسوب، و شامل جزای مضاعف شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: « این آیه درباره ما اهل بیت علیهم‌السلام و اصحاب کساء نازل شده است. » (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳/ ۱۷۲). از حسن بن علی علیه‌السلام نیز روایت شده که ضمن خطبه خود فرمود: من از آن خاندان هستم که خداوند مودت و دوستی آنان را بر هر مسلمانی واجب کرده: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ، وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» به‌جا آوردن حسنه، یعنی محبت ما اهل بیت. » (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/ ۴۹) هم‌چنین ابوحمزه ثمالی از سدی نقل می‌کند: « منظور از " يَقْتَرِفْ حَسَنَةً "، دوست داشتن آل محمد علیهم‌السلام است. » (همان، ۷۴/ ۲۵) و روایات متعددی که از طریق اهل بیت علیهم‌السلام رسیده بر این معنا تأکید دارند، اما بیان معنای خاص برای حسنات، هرگز به معنای کاستن از وسعت معنایی آن نخواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۵۷۳) بر محور خرد رابطه همنشینی نظریه ایزوتسو، همنشینی ایمان به خدا و حسنات در این آیه نشان می‌دهد، اگرچه از سوی افرادی که دین ندارند هم حسنة سر می‌زند، اما بسیاری از حسنات نیز وجود دارد که از افراد متشرع صادر می‌شود و ملاک شرعی و دینی دارند. (مانند انفاق که در جای خود توضیح آن ارایه خواهد شد) در آیات قرآن در کنار معنای خاصی که برای این واژه بیان می‌دارد (ایزوتسو، ۱۳۷۳: ۳۱) معانی گسترده دیگری نیز به‌کار رفته است، که به ترتیب به آن‌ها اشاره می‌شود.

۴-۱-۱. انفاق مال در راه خدا

انفاق در لغت به معنای گذشتن از هر چیز و از بین رفتن آن با تمام شدنش، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۲/۱) و در اصطلاح به معنای بیرون کردن مال از ملک خود و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه، یا از بخشیدن مال خود در راه هر آن‌چه خدا به آن فرمان داده (اعم از فعل و عمل)، تحقق می‌یابد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۵۱۵) خداوند متعال می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ...» (بقره/ ۲۶۱)، «مثل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد، و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند...»؛ یعنی مالی که انفاق می‌شود جمیع انفاقات واجبه و مستحبه حتی هر عبادتی که توقف بر بذل مال باشد را شامل شده، و خداوند هم در دنیا و هم در آخرت اضعاف مضاعف عنایت می‌فرماید. (طیب، ۱۳۸۷: ۳/ ۳۶) بر اساس محور خرد رابطه همنشینی نظریه ایزوتسو، زیرمجموعه‌های انفاق شامل قرض دادن به نیازمند: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً...» (بقره/ ۲۴۵)، «کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید...»، و «إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ...» (تغابن/ ۱۷)، «اگر خدا را وامی نیکو

دهید، آن را برای شما دو چندان می‌گرداند...»، پرداخت زکات و صدقه‌دادن: «إِنَّ الْمُسَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید/۱۸)، «درحقیقت، مردان و زنان صدقه‌دهنده و [آنان که] به خدا وامی نیکو داده‌اند، ایشان را [پاداش] دو چندان گردد، و اجری نیکو خواهند داشت.» در زمرة حسناتی است که با تعبیر «یضاعف» به معنای افزودن شیء به مثل خود، (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۳۶۲) دو برابر یا بیش‌تر کردن چیزی (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۷/۳۲) ذکر شده است. انفاق‌های نام برده شده در این آیات به عنوان شیء قابل اندازه‌گیری بیان، و در زمرة حسنات نام برده شده اند، که اختصاص به عمل یا فعل نداشته، و از سوی خداوند چندین برابر بر آن‌ها افزوده خواهد شد. (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۴۲-۴۳)

۴-۱-۲. «خیر»

واژه «خیر» در لغت اعم از فعل و عملی است که دل‌پسند بوده و همه به آن رغبت دارند؛ مثل عقل، عدل، فضل و...، (قرشی، ۱۳۷۱: ۲/۳۱۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۰۰) مقابل این مفهوم شر است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳/۱۷۶) این واژه در آیات بسیاری همراه و هم‌نشین با حسنات و در خصوص هر چیزی - اعم از فعل یا عمل - که مرغوب و پسندیده باشد، بیان شده است. (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۴۲-۴۳). در برخی از آیات قرآن، خیر به معنای نیکی آمده: «قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلِأَنَّ الْآخِرَةَ خَيْرٌ» (نحل/۳۰)، «می‌گویند: «خوبی.» برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند [پاداش] نیکویی است، و قطعاً سرای آخرت بهتر است...»؛ در برخی دیگر از آیات اعمال انسانی که به عنوان کالا و اندوخته‌ای در نظر گرفته شده و به سوی مقصدی پیش فرستاده می‌شوند، آمده است: «مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ» (بقره/۱۱۰؛ مزمل/۲۰)، و هر گونه نیکی که برای خویش از پیش فرستید، آن را نزد خدا باز خواهید یافت». بنابراین به عنوان نمونه بر اساس رابطه هم‌نشینی نظریه ایزوتسو منظور از تعبیر «ماقدم» در این آیات حسناتی است که پیش‌فرستاده و مقدم می‌شوند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۲۲۸؛ ۱۹/۲۱۷)

۴-۱-۳. جبران و رفع از بدی‌ها

خداوند می‌فرماید: «... إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلَّذِينَ» (هود/۱۱۴)، «زیرا خوبی‌ها بدی‌ها را از میان می‌برد. این برای پندگیرندگان، پندی است» هم‌نشینی ریشه فعلی «ذهب»، با حسنات، جبران و از بین بردن بدی را به ذهن متبادر می‌کند. یذهبن باب افعال، و از ریشه ذهب، به معنای رفتن، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲/۳۳۱) پشت‌کردن و حرکت‌کردن است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳/۳۶۵) نماز چون حسنات در دل‌های مؤمنان وارد می‌گردد و آثار معصیت و تیرگی‌های کسب‌شده در دل‌هایشان از ناحیه سیئات را از بین می‌برد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۵۸) هم‌چنین در آیات: «وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد/۲۲)، «و بدی را با نیکی می‌زدایند، ایشان راست فرجام خوش سرای باقی»، «وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» (قصص/۲۸)، «و

بدی را با نیکی می‌زدایند»، یدرؤن از مادهٔ درء، به معنای دفع‌کردنی که باشدت و به سبب مخالفت و خصومت با دفع‌شونده صورت گیرد. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۳۵/۲) با توجه به نظریهٔ ایزوتسو همنشین این ریشهٔ فعل نیز با حسنات، جبران بدی، و از بین بردن معصیت در دل‌ها را در بر دارد، و موجبات دریافت پاداش و نعم الهی را فراهم خواهد نمود. (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۸۷)

۴-۱-۴. نور

نظریهٔ معناشناسی ایزوتسو در محور خرد، نور در آیات قرآن را، به عنوان یکی از معانی همنشین با واژهٔ حسنات بیان می‌دارد. خداوند متعال در آیاتی متعدد سخن از زنان و مردان مؤمنی می‌کند که روز قیامت نورشان پیشاپیش و سمت راست آن‌ها شتابان در حرکت به مقصدی حقیقی که از ابتدا در آن گام نهاده‌اند، (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۵۸)، می‌باشند: «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ» (حدید/۱۲)، «آن روز که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است» نوری که سمت راست انسان مؤمن در حرکت، و از معانی حسنات است، (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۴۷۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۳۳۶) و مراد از نوری که پیشاپیش آن‌ها در حرکت است، نور ایمانشان است. (ابوحیان توحیدی، ۱۴۲۰: ۱۰/۱۰۵)

۴-۱-۵. رفاه

«ثُمَّ بَدَلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ» (اعراف/۹۵)، «آن‌گاه به جای بدی [=بلا]، نیکی [=نعمت] قرار دادیم تا انبوه شدند»، برخی از مفسران با توجه به سیاق آیه، آسایش و رفاه مادی بیان شده در این آیه را از معانی همنشین با «حسنه» بیان می‌کنند. (طوسی، بی تا: ۴/۴۷۵)

۴-۱-۶. حسن بودن افعال الهی

از دیدگاه قرآن آن‌چه به خداوند مربوط است، از حسن جدا نیست «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ» (نساء/۷۹)، «هر چه از انواع نیکویی به تو رسد از جانب خداست»، پس افعال الهی در قرآن همنشین با حسن بیان شده؛ چرا که این خدا می‌باشد که شاهد بر ظاهر و باطن اعمال بود و در برابر حسنه اجر داده است (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۵۸)، و از سیئه در گذشته، یا به مانند آن عقوبت می‌نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۰/۹۰؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۲/۱۱۴)

۵. عمل صالح در لغت و اصطلاح

صالح از ریشهٔ صلح در مقابل فساد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲/۵۱۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/۱۱۷)، دربارهٔ ذات، اندیشه و عمل به کار رفته (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۶/۳۲۲)، و بیش‌ترین کاربرد آن دربارهٔ «عمل» است. (همان، ۶/۶۳۶) «عمل صالح» ۸۷ بار به صورت‌های گوناگون اسم و فعل، مانند «العمل الصالح»، «عمل صالحا»، «عملوا الصالحات»، «يعلمون الصالحات» و جز این موارد وارد شده، و این حاکی از آن است که عنایت اسلام به

مسئله «عمل صالح» کم‌تر از «ایمان» نیست؛ زیرا عمل صالح، نه تنها نشانه وجود ایمان در دل و مایه درخشش آن در قلمرو زندگی است؛ بلکه ایمان بدون «عمل» و انجام مسئولیت فاقد ارزش خواهد بود. قرآن در معرفی مبدأ و ریشه عمل صالح بیان می‌دارد: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمَلَ صَالِحاً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...» (بقره/۶۲)، «هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت»، «مَنْ عَمَلَ صَالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷)، «هر کس -از مرد یا زن- کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد»، «... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيُعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف/۱۱۰)، «... پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد، و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.» در مواردی که قرآن، از عمل سخن گفته به طور صریح و یا کنایه، ایمان به خدا را نیز مطرح می‌کند و یادآور می‌شود. عمل صالح در صورتی پذیرفته می‌گردد که عمل از ایمان به «اللّه» سرچشمه گیرد. تنها در دو آیه از قرآن عمل صالح به صورت مجرد از ایمان مطرح شده: «مَنْ عَمَلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلِيَهَا...»، و آیه «مَنْ عَمَلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلِيَهَا...» (جاثیه/۱۵)، «هر که کاری شایسته کند، به سود خود اوست، و هر که بدی کند به زیانش باشد...» تجرید عمل صالح از «ایمان به خدا» در این دو آیه نه برای این است که در پذیرش آن، «ایمان به خدا» شرط نیست، بلکه از آن‌جا که این دو آیه در صدد بیان تمام خصوصیات پذیرش نیست، و می‌خواهد بیان دارد که نیکی‌ها و بدی‌های هر کس مربوط به خود او است؛ لذا از ریشه‌های عمل صالح، مبادی آن، و یا شرایط پذیرش عمل صالح سخنی به میان نیاورده است.

طبق محور کلان و جانیشینی نظریه ایزوتسو عمل صالح یک معنای کاملاً مذهبی و اخص از مفاهیمی، مانند حسن یا حسنه، و خیر می‌باشد. (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۶۰) از منظر قرآن «عمل صالح»، عملی است که در چهارچوب اوامر الهی، همگام با سنت‌های حاکم بر جهان آفرینش، مقبول طبع مؤمن، عقل و شریعت و در راستای تزکیه انسان باشد. همراهی ایمان و عمل صالح در قرآن نشان‌دهنده آن است که از منظر الهی عملی مقبول است که نشأت‌گرفته از ایمان و اعتقاد حقیقی به توحید، معاد و نبوت، و خالص برای خدا باشد، و بدون اخلاص آن عمل، صالح نخواهد بود. (اکبری‌راد، ۱۳۸۷: ۳۹-۶۰) در برخی از تفاسیر و روایات، حسنات، به جای صالحات بیان شده که از گستره عمل حسن، نسبت به عمل صالح، حکایت دارد، و در واقع نشانگر اعم بودن مفهوم حسنه در نسبت میان این دو قرار گرفتن در رابطه جانیشینی است.. به عنوان مثال ابن عباس «وَيَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» (قصص/۵۴) را «يدفعون بالعمل الصالح السيء»، تفسیر نموده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۴۴/۶). شیخ طوسی نیز در تبیان، اعمال صالح را به نوعی از حسنات -که همان طاعات الهی است- تفسیر نموده است و ذیل آیه: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

فِيهَا أَبَدًا...» (نساء/۵۷)، «و به زودی کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درآوریم. برای همیشه در آن جاودانند...» بیان می‌دارد که: «الاعمال الصالحات و هی الحسنات التي هی طاعات الله» (طوسی، بی تا: ۲۳۲/۳) پس حسنه مفهومی دارد که می‌تواند عمل صالح را که بافت کاملاً مذهبی دارد، دربر گیرد. هم‌چنین ترکیب «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» در آیات متعدد قرآن، و کاربرد عمل به صورت فعل ماضی که بر ثبات و دوام دلالت دارد، به این امر تاکید دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۴۴/۶).

۱-۵. رابطه عمل صالح و ایمان به خدا

«عمل صالح» از ایمان به خدا، سرچشمه می‌گیرد، و بدون آن در پیشگاه خدا فاقد ارزش است؛ زیرا با این همراهی دو هدف دنبال می‌شود:

۱-۱-۵. تکامل روحی انسان

با انجام عمل صالح، معنویت و تکامل روحی انسان سیر صعودی می‌یابد، و عمل از هر نوع «خودخواهی» و «سودجویی» پیراسته می‌گردد، و کسب رضای الهی، انگیزه انسان می‌شود، و «انسانیت» و «نفسانیت» نابود، و تکامل تحقق می‌پذیرد. (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۵۸)

۲-۱-۵. تکامل فعل انسان

عمل صالحی که از «ایمان به خدا» نشأت گیرد، نه تنها مایه تکامل روح و روان فاعل است، بلکه مایه کمال خود «فعل» نیز می‌شود، و به جای ظاهر سازی، در اتقان عمل، و در استمرار و بقای آن می‌کوشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۴۴/۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸۷/۶)

بر اساس محور کلان و حذف عنصر زمانی در رابطه جانشینی نظریه ایزوتسو، همراهی عمل صالح با برخی از کلمات در آیات قرآن موجب تبیین بهتر مراد الهی از معنای عمل صالح می‌گردد. برخی از آن‌ها از این قرار می‌باشند.

۳-۱-۵. اجر

در قرآن کریم واژه‌های «اجر» و عمل صالح در نوزده آیه همراه هم، و به مفهوم کار و فعالیت جسمانی، بیان شده است. برای نمونه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...» (بقره/۶۲)، «در حقیقت، کسانی که [به اسلام] ایمان آورده، و کسانی که یهودی شده‌اند، و ترسایان و صابئان، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت...» (مائده/۹، کهف/۲، احزاب/۳۱). "اجر" در لغت به معنای اجرت، دستمزد و حقوقی است که در مقابل کار پرداخت می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۴۲/۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶۲/۱). از دیدگاه قرآن زندگی دنیا به عنوان مزرعه و مکانی است که در آن به تجارت (بقره/۱۶؛

آل عمران/۱۷۷) و زراعت (شوری/۲۰) پرداخته می‌شود، که با کار جسمانی در ارتباط است. خداوند می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (آل عمران/۱۸۵)، «هر جاننداری چشنده [طعم] مرگ است، و همانا روز رستاخیز پاداش‌هایتان به طور کامل به شما داده می‌شود.» واژه «وفی» در لغت به معنای پرداخت کردن اجر و حق کسی به طور کامل و تمام است (قرشی، ۱۳۷۷: ۲۳۰/۷). حق تعالی در روز قیامت مزد و اجر همه اعمال نیک و بد را به صورت کامل و تمام پرداخت خواهد کرد. هم‌چنین آیه: «... أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُم مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ نَسَى...» (آل عمران/۱۹۵)، «... من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد و زن تباه نمی‌کنم...» «عامل» در لغت به معنای کسی است که با دست کاری را انجام می‌دهد (بستانی، ۱۳۷۰: ۶۱). بر اساس محور کلان رابطه جانشینی نظریه ایزوتسو، انسان کارگزاری است که در دنیا برای رسیدن به اجر و مزد شایسته عملش تلاش می‌کند. به هر عمل نیکی اجر تعلق خواهد گرفت؛ اما اجر عملی که با ایمان و با آگاهی و علم انجام شده، از دوام و ثبات برخوردار خواهد بود (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۵۸).

۴-۱-۵. بذر و حبه

«وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ» (انبیاء/۴۷)، «و اگر [عمل] هموزن دانه خردلی باشد آن را می‌آوریم و کافی است که ما حساب‌برس باشیم.» و «إِنِّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ» (لقمان/۱۶)، «اگر [عمل تو] هموزن دانه خردلی و در تخته‌سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، خدا آن را می‌آورد، که خدا بس دقیق و آگاه است.» اشاره دارد که اگر عمل صالح انسان به اندازه دانه خردل باشد، باز محاسبه می‌شود، «حَبَّةٍ» در لغت اسم جنس برای گندم به کار می‌رود، اما در کل به دانه‌ای گفته می‌شود که در خوشه یا غلاف باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۷۷/۲). هم‌چنین مطلق دانه‌های ریز را خردل گویند. در آیه مزبور شاید مراد از «حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ» دانه خردل و یا مراد وزن دانه به سبکی وزن خردل باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۴۴/۳)، بنابراین مراد از «حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ» مبالغه در دقت میزان را می‌رساند؛ یعنی کوچک‌ترین ذره‌ای که به چشم نمی‌آید، در روز قیامت سنجش می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۹۲/۱۴). محور جانشینی نظریه ایزوتسو گویای آن است که عنوان دانه و حبه، به نوعی مرتبط با عمل جسمانی است؛ یعنی در مزرعه دنیا، انسان به نوعی افشاندۀ بذر عمل صالح خویش است و محصول این مزرعه هرچند ناچیز، ارزش‌گذاری می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۵۸).

۵-۱-۵. برّ

در میان اعمال صالح، «برّ» را در جایگاهی مرتفع قرار داده و در قرآن به عنوان وصف برای اعمال صالح بیان شده است. «برّ» در لغت به معنای نیکی گسترده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۱۴). در آیه «... وَلَكِنَّ الْأَبْرَارَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ

السَّبِيلِ ...» (بقره/۱۷۷)، «بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد، و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان بدهد ...» بر اساس محور کلان و جانشینی نظریه ایزوتسو به مجموع ایمان و اعمال صالح که به برخی از آن‌ها در آیه اشاره شده، «بِرِّ» اطلاق شده است. ایمان به خدا، ایمان به روز جزا و انبیای پیشین، انفاق مال، بر پا داشتن نماز، وفای به عهد و بردباری از مصادیق بر بشمار می‌رود (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۵۸). کاربرد «بِرِّ» به صورت مصدر نشان‌دهنده تأکید بر عمل صالح است، گویی فرد در این اعمال غرق شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۹۸/۱). «بِرِّ» عمل نیکی است که باتوجه، قصد، و اختیار انجام می‌گیرد. توجه و قصد، وجه تفاوت «بر» با «خیر» است؛ زیرا خیر به هر نوع نیکی حتی بدون توجه اطلاق می‌شود (عسکری، ۱۴۱۸: ۱۶۴). هم‌چنین در آیه: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران/۹۲)، «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آن‌چه دوست دارید انفاق کنید.» از همراهی «بِرِّ» و «تَنَالُوا» عمل نیک در دنیا، به ذهن متبادر می‌شود، تنالوا از نیل، به معنای رسیدن یا دست‌یافتن به چیزی است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۴۳/۱۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۹)

۵-۱-۶. درجات

همنشینی «عمل» و «درجه» موجب تبادل مفهوم عمل صالح به ذهن می‌شود: «وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَمَا رَزَقَكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ» (انعام/۱۳۲)، «و برای هر يك [از این دو گروه]، از آن‌چه انجام داده‌اند، [در جزا] مراتبی خواهد بود، و پروردگارت از آن‌چه می‌کنند غافل نیست.»؛ «وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُؤَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (احقاف/۱۹)، «و برای هر یک در [نتیجه] آن‌چه انجام داده‌اند درجاتی است، و تا [خدا] پاداش [اعمالشان] را تمام بدهد؛ و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت.» درجه از ماده درج، به معنای حرکت دقیق، با احتیاط، تدریجی و به مفهوم بالارفتن، چه از حیث مادی و چه از حیث معنوی ملحوظ است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۱۱/۳). محور کلان و همنشینی نظریه معناشناسی ایزوتسو نشان می‌دهد انسان با عملش گام به گام به سمت مقصد برگزیده حرکت می‌کند، حال چنان‌چه عمل انجام‌دهنده صالح باشد، عملش مانند پله‌ای برای صعود خواهد شد. هر فرد به میزان حرکت صعودی که در راستای رسیدن به مقصد بردارد، به همان میزان به موقعیت مکانی بالاتر و برتر دست می‌یابد. (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۵۸)

۵-۱-۷. عمل حاضر

از دیگر واژگانی که قرآن برای اعمال صالح بیان می‌دارد، می‌توان به عمل انسانی که احضار می‌شود، اشاره کرد که مؤید آن آیات: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا» (آل عمران/۳۰)، «روزی که هر کسی آن‌چه کار نیک به جای آورده و آن‌چه بدی مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد؛» و «وَجَدُوا مَّا عَمِلُوا خَاصِرًا» (کهف/۴۹)، «و آن‌چه را انجام داده‌اند حاضر یابند»، و «عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أُخْضِرَتْ» (تکویر/۱۴)، «هر نفس بداند چه فراهم دیده.»

می‌باشد. حَصْرًا، در اصل به معنای مواجه شدن با آن چه غایب بوده، که مشاهده و قرب از آثار آن است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲/۲۸۰). به صورت اسم برای حاضر شدن در مکانی، یا شهادت دادن انسان به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۱)؛ اما مراد از «مُحَصَّرًا» در عبارت: «مَا عَمِلْتُ مِنْ خَيْرٍ مُحَصَّرًا» (آل عمران/۳۰)، «روزی که هر کسی آن چه کار نیک به جای آورده و آن چه بدی مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد» به معنای حاضر کردن موجود غایب از انظار که دلالت محفوظ بودن اعمال نزد خدا دارد، و علم و حفظ خداوند به آن ها در دنیا است، و روز قیامت برای صاحبانش اظهار می‌دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۱۵۶) البته این گونه نیست که عمل خود به خود حاضر باشد، بلکه آن را حاضر می‌کنند: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحَصَّرًا» (آل عمران/۳۰)، «روزی که هر کسی آن چه کار نیک به جای آورده و آن چه بدی مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد»، چنان که عامل را حاضر می‌کنند: «إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحَصَّرُونَ» (یس/۵۳)، «[باز هم] يك فریاد است و بس؛ و بناگاه همه در پیشگاه ما حاضر آیند.» احضار نسبت به حضور، تعبیری تند است، که در آیه: «وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» (کهف/۴۹)، «و آن چه را انجام داده‌اند حاضر یابند»، ملایم‌تر می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲/۱۲۳) بر محور کلان نظریه جانشینی نظریه ایزوتسو عمل صالح نیز، از جنس عمل بوده و جزو مواردی است که در قیامت برای انسان حاضر خواهد گشت. (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۴۵)

۵-۱-۸. اسباب معیشت انسان در آخرت

عمل انسان در دنیا اسباب معیشت وی در سرای آخرت را فراهم می‌کند. از اسباب اولیه معیشت انسان در این دنیا به خوراک، پوشاک اشاره می‌شود. از آن جا که تقوا در زمره اعمال صالح در قرآن محسوب می‌شود، پوشاک نیز از آن جمله است. این آیات مؤید این نظر به شمار می‌آید: «وَلِيَأْسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكُمْ خَيْرٌ ذَلِكُمْ مِنَ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (اعراف/۲۶)، و [لی] بهترین جامه، [لباس] تقوا است. این از نشانه‌های [قدرت] خداست، باشد که متذکر شوند... در این آیه تقوا را به عنوان بهترین لباس باطن معرفی کرده که سیئات باطنی انسان را می‌پوشاند، و انسان را از اعمال سیئه باز می‌دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/۷۰-۷۱؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۰/۱۷۸) هم چنین واژه «ثياب» که به معنای پوشش از ماده «ثوب» به معنای رجوع و بازگشت است، و لباس را به آن دلیل «ثوب» می‌گویند که مواد خام رشته شده را به حالتی که مقصود اصلی از بافتن است بیان می‌دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶/۵۳۸). انسان با تاروپود اعمال خویش پارچه [وجود] خود را می‌بافد و اگر اعمال صالح باشد، تاروپود پارچه و لباسش از خیر است و اگر اعمال سیئه باشد، تاروپود آن از شر خواهد بود (همان، ۱۸۸/۲۳) براساس محور کلان و جانشینی نظریه ایزوتسو در وصف نعمت‌های بهشتی و در توصیف لباس بهشتیان، آن‌ها را از «حریر» (حج/۲۳) «سندس» (کهف/۳۱) و «استبرق» (دخان/۵۳) یاد می‌کند که همه این‌ها از اعمال صالح ایشان نشأت می‌گیرد. (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۵۸)

هم چنین خوراک‌های بهشت یا جهنم به‌نوعی ظهور همین اعمال است؛ از این رو، زمانی که خوراک‌های بهشت و جهنم بررسی می‌گردد، به این مطلب دست یافته می‌شود که خوراک مورد نظر در واقع همان اعمال افراد است که در این دنیا انجام داده، آن روز به‌صورت خوراک اعم از غذا، میوه یا نوشیدنی و جز این موارد دیده می‌شوند، برای نمونه در آیات: «كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (طور/۱۹)، «به آنان گویند: [به [پاداش] آن چه به جای می‌آوردید بخورید و بنوشید؛ گواراتان باد»، «كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ» (حاقه/۲۴)، «بخورید و بنوشید، گواراتان باد، به [پاداش] آن چه در روزهای گذشته انجام دادید»، «كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مرسلات/۴۳)، «به [پاداش] آن چه می‌کردید، بخورید و بیاشامید؛ گواراتان باد.» اعمال انسان به عنوان خوراک به ذهن متبادر می‌شود. در آیات سوره‌های طور و مرسلات اطعام و پذیرایی صورت گرفته از نیکوکاران را، سبب انجام اعمال صالحان در دنیا، بیان شده، (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۶۰/۲۷) که در واقع اعمال صالح انسان منجر به این توفیق شده است (فخررازی، ۱۴۲۰: ۷۸۰/۳۰). در این آیات آن چه را خورده و یا نوشیده می‌شود در واقع اعمال صالحی ذکر می‌کند که انسان در دنیا برای بهره‌مندی از زندگی آخرت خود پیش فرستاده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۰۳/۴؛ ابوحیان توحیدی، ۱۴۲۰: ۲۶۱/۱۰)

۵-۱-۹. ستر و تکفیر

محور کلان و همنشینی نظریه ایزوتسو آشکار می‌دارد پوشانندگی، از معانی ای است که برای عمل صالح در قرآن به کار رفته است. همنشینی با کلماتی چون تکفیر و سیئات در این آیات مؤید این معنا است (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۵۸). واژه «تکفیر» از ریشه کفر که اصل آن معنای ستر و پوشاندن ذکر شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۹۱/۵). «تکفیر» بی اعتنایی، پوشاندن و پنهان داشتن است که گویی تحقق نیافته. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۷۱۷) آثار این بی‌اعتنایی، محو و پوشاندن آن است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۰، ۸۸) «تکفیر» در اصطلاح طاعتی است که سبب محو شدن و پوشاندن گناهان می‌شود (سبحانی، ۱۴۱۸: ۴۶۳). هم چنین در علم کلام «تکفیر»، به معنای از میان رفتن مجازات اعمال سیئه با اعمال نیک است (طیاری دهقانی، ۱۳۸۰: ۲۰-۳۵). در بیشتر کاربردهای «تکفیر» در قرآن واژه «سینه» متعلق آن قرار گرفته است، «سینه» از ریشه سوء، و جمع آن «سیئات» است و به هر کار ثابت و متصف‌شونده بدی در آن اطلاق می‌شود. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۰۷/۵) در آیات قرآن اعمال صالح «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» (العنکبوت/۷)، «و کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً گناهانشان را از آنان می‌زداییم.» توبه نصح «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» (التحریم/۸)، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به درگاه خدا توبه‌ای راستین کنید، امید است که پروردگارتان بدی‌هایتان را از شما بزدايد»، «تقوا ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا» (الطلاق/۵)، «این است فرمان خدا که آن را به سوی شما فرستاده است؛

و هر کس از خدا پروا کند، بدی‌هایش را از او بزداید و پاداشش را بزرگ گرداند.» هجرت و جهاد در راه خدا «فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» (آل عمران/ ۱۹۵)، «پس کسانی که هجرت کرده و از خانه‌های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند، بدی‌هایشان را از آنان می‌زدایم»، و در نهایت اعمالی چون بر پا داشتن نماز، پرداخت زکات، پرداخت صدقه در نهبان و آشکار، ایمان به پیامبران و یاری آن‌ها در امر دین از جمله اعمال صالحی است که تکفیر سیئات را با خود به همراه خواهد داشت. (بقره/ ۲۷۱- مائده/ ۱۲)

۵-۱-۱۰. فضیلت، هدایت، نور و تقوا

خداوند متعال ملاک برتری و فضیلت انسان‌ها را در همنشینی عمل صالح با کلماتی بیان می‌دارد. مانند: «... كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ ...» (توبه/ ۱۹)، «... همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند؟ [نه، این دو] نزد خدا یکسان نیستند...» ایمان به خدا و روز قیامت، ملاک این برتری نزد خدا است. قرآن کریم برخورداری از نعمت هدایت: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ...» (یونس/ ۹)، «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، پروردگارشان به پاس ایمانشان آنان را هدایت می‌کند...» را از معانی عمل صالح به شمار می‌آورد. هم‌چنین از منظر قرآن بهترین توشه برای طی سفر الی الله، عمل صالح تقوا است: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (بقره/ ۱۹۷)، «و برای خود توشه بگیرید که در حقیقت، بهترین توشه تقواست.» از آیه مزبور زاد و توشه، به ذهن متبادر می‌شود. نایل شدن به این دست از نعم الهی، موجب نجات از خسران و زیان می‌گردد: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» (عصر/ ۲- ۳)، «که واقعاً انسان دستخوش زیان است؛ مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.»

۵-۱-۱۱. "يَمْهَدُونَ" و گستراندن بستر

در آیات قرآن عمل صالح به عنوان همنشین، بستر و زمینه بهرمندی از نعم الهی بیان شده است. خداوند می‌فرماید: «مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نُنْفِسُهُمْ يَمْهَدُونَ» (الروم/ ۴۴)، «هر که کفر ورزد، کفرش به زیان اوست، و کسانی که کار شایسته کنند، [فرجام نیک را] به سود خودشان آماده می‌کنند.» "يَمْهَدُونَ" از ماده مهد، به معنای آماده کردن مکانی برای سکونت و استراحت است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۰۶/۱۱) «مهاد» مانند «فرش»، چیزی است که انسان آن را برای خود پهن می‌کند تا بستر استراحت خویش را مهیا کند. برخی از انسان‌ها این فرش را با عقیده، اخلاق و اعمال صالح می‌گسترند، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹۷/۱۶؛ جوادی آملی،

۱۳۸۸: ۷۴۹/۱۶، مانند این که مسافری پیش از ورود به منزل، کسی را مأمور می‌کند تا منزل او را نظافت کند، فرس خانه را بگسترده تا وقتی وارد می‌شود، منتظر چیزی نباشد. (همان، ۴۸۶/۱۲)

۵-۱-۱۲. سعی، مشی و حرکت

حرکت کلمه دیگری است که قرآن برای مفهوم‌سازی اعمال صالح از آن بهره گرفته است. در برخی از آیات قرآن برای بیان این مهم که انسان در آخرت با اعمالش روبرو خواهد شد و اعمالش را به یاد خواهد آورد، از تعبیر و همنشینی در محور کلان عمل صالح با «سعی» بهره گرفته شده است (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۵۸). "سعی" را تند راه رفتن آرام‌تر از دویدن گویند که در جدیت و کوشش در امور، کاربرد دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۱۱) ابن عاشور علاوه بر در نظر گرفتن مشی سریع برای سعی، معنای تلاش در کسب و کار را نیز بیان کرده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۵۲/۲). انسان مالک اعمال خویش «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (النازعات/۳۵) است، لام در «للانسان» لام مالکیت حقیقی است نه مالکیت اعتباری؛ به این معنا که انسان مالک حقیقی اعمال خویش است، مادامی که انسان هست عملش نیز وجود دارد و هرگز از انسان جدا نخواهد شد و در سرای آخرت نیز تمام اعمال انسان چه نیک و چه بد همراه اوست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۶-۴۷/۱۹). مفاهیمی چون مقصد، مسافر و جز آن‌ها برای مفهوم‌سازی زندگی، آخرت، خدا و انسان و دیگر موارد بهره گرفته می‌شود: «... إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶)، «... ما از آن خدا هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم.» «إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (هود/۴)، «بازگشت شما به سوی خداست، و او بر همه چیز تواناست.»

۵-۱-۱۳. حیات طیبه

طبق آیات قرآن کریم عمل صالح به عنوان ملاک برخوردای از معنویت و نور، و به طور کلی حیات طیبه، بیان شده: «لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (طلاق/۱۱)، «تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون برد، و هر کس به خدا بگردد و کار شایسته کند او را در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است، درمی‌آورد.» به همین دلیل دستیابی به نور الهی موجب برخوردای از حیات طیبه، که در سایه انجام اعمال صالح خواهد بود، مورد نظر خداوند است. از این رو این دو واژه در محور کلان همنشینی بیان شده است، مانند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً» (نحل/۹۷).

۶. رویکرد قرآن به حسنات و عمل صالح در یک نگاه

بر مبنای نظریه ایزوتسو در محور خرد و کلان و در دو سطح همنشینی و جان‌نشینی حسنات و عمل صالح دارای حوزه معنایی مخصوص به خود هستند که با توجه به کاربردهای مختلف قرآنی آن‌ها، قابل تقسیم بندی به شرح زیر می‌باشند:

الف: واژه حسنات

واژه	محور خرد	همنشینی
عمل صالح	تنها در آیه ۲۳ سوره شوری	✓
عمل	✓	✓
جاء	✓	✓
توعی (فعل)	✓	✓
استمرار و فعال بودن در قیامت	✓	✓
ایمان به خدا	تنها در آیه ۲۳ سوره شوری	✓
میزان و ملاک شرعی بودن فعل و عمل	✓	✓
یذهبن	✓	✓

ب: واژه عمل صالح

واژه	محور کلان	همنشینی	جانشینی
اجر	✓		✓
بذر و حبه	✓		✓
درجات	✓	✓	
عمل حاضر	✓		✓
معیشت آخرتی	✓		✓
ستر و تکفیر	✓	✓	
فضیلت، تقوا، نور، هدایت	✓	✓	
یمهدون	✓	✓	
سعی، مشی، حرکت	✓	✓	
حیات طیبه	✓	✓	

نتیجه‌گیری

۱. قرآن شبکه‌ای در هم تنیده از واژگان مفهومی همنشین و جانشین است که اساس نگرش و جهان‌بینی قرآنی را تشکیل داده، و ابزاری برای سازماندهی تفکر و فهم دینداران است؛
۲. مطالعه گستره معنایی حسنات و اعمال صالح نشان داد، متن قرآن زنده و پویا است؛ زیرا حسنات و عمل صالح انسان، حرکتی هدفمند، گام به گام، روشنایی‌بخش، به دور از مانع، و برای رسیدن به مقصد عالی است؛ مقصدی که فرد با تلاش ارزشمند و نادیدنی، دنیا را آباد می‌کند و زمینه آسایش خود را فراهم می‌آورد؛
۳. تحلیل گستره معنا شناسی مفهوم حسنات و اعمال صالح در قرآن کریم، در رویکرد همنشینی و جانشینی بر اساس نظریه ایزوتسو، حاکی از آن است که رابطه میان این دو واژه عموم و خصوص مطلق می‌باشد؛ یعنی هر عمل صالحی حتماً حسنه به شمار می‌رود، اما هر حسنه ای لزوماً عمل صالح نخواهد بود؛ بلکه برخی از حسنات عمل صالح، و برخی در معانی دیگر به کار می‌روند؛
۴. حسنات دارای مفهومی عام می‌باشد و در خصوص معنای اعم از عمل و فعل به کار می‌رود و قابلیت رفع و از بین بردن بدی و معصیت را دارد، اما از آن‌جا که اعمال صالح، به اعمالی تعلق می‌گیرد که انسان انجام می‌دهد، دایره شمولش اخص از حسنات است؛
۵. طبق آیات قرآن، صرف انجام اعمال صالح کافی نیست، بلکه انسان باید به قدرتی دست یابد که بتواند حسنات را با خود به قیامت برد. این آوردن و همراهی امور تا قیامت، مخصوص حسنات است نه اعمال صالح؛
۶. حسنات اختصاص به دینی خاص ندارد و شامل هر عمل یا فعل دینی و غیر دینی می‌شود؛ اما عمل صالح یک عمل کاملاً شرعی و دینی بوده و در واقع ملاک پذیرش آن ایمان و اخلاص است؛
۷. همراهی ایمان با عمل صالح حاکی از آن است که قرآن برای مفهوم‌سازی اعمال صالح از واژگانی بهره گرفته که اختصاص به مخاطبان عصر نزول ندارد، و برای همه افراد و در همه اعصار، قابل درک و فهم می‌باشد.

منابع و مآخذ

۱. ابن عاشور، محمد ابن طاهر (۱۴۲۰ق)، التحرير و التنوير، الطبعة الأولى، بيروت: مؤسسة التاريخ العربی.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تهران: علوم اسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بيروت: دارصادر.
۴. ابوحيان توحیدی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحيط فی التفسیر، بيروت: دارالفکر.
۵. امیر احمدی، علی اکبر (۱۳۷۷)، عمل صالح و پیامدهای آن در قرآن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. اسدی، احمد (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر معناشناسی واژه «کبد» در قرآن کریم با الهام از روش توشیهکو ایزوتسو»، مجله ذهن، شماره ۲۱، صص ۲۰-۴۱.
۷. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۰)، ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: نشر قلم.
۸. _____، (۱۳۷۳)، خدا و انسان در قرآن، احمد آرام، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۹. ایزدی مبارکه، کامران (۱۳۹۱)، «عمل صالح از منظر قرآن کریم»، تهران: نشریه ایحاء، صص ۱۷-۳۱.
۱۰. اکبری‌راد، طیبه (۱۳۸۷)، «تفاوت دیدگاه مفسران با دیدگاه معناشناسانه در رابطه با مفهوم عمل صالح»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش دینی، شماره ۱۷، صص ۳۱-۵۳.
۱۱. باقری، مهری (۱۳۷۸)، مقدمات زبان‌شناسی، تهران: نشر قطره.
۱۲. بی پرویش، منفرد (۱۳۶۳)، زبان شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: نشر آگاه.
۱۳. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۰)، فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی.
۱۴. پالمیر، فرانک (۱۳۷۴)، نگاهی تازه به معنی شناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: کتاب ماد.
۱۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۲۲ق)، المستدرک علی الصحیحین، بيروت: دارالکتب.
۱۶. حسینی عربی، سید مهدی (۱۳۸۵)، «نگاهی به عمل صالح از دیدگاه قرآن»، مجله رسالت، تهران: شماره ۶۰، صص ۲۷-۴۲.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تسنیم، قم: اسراء.
۱۸. _____، (۱۳۸۷)، معاد در قرآن، قم: اسراء.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بيروت: الدار الشامیه.
۲۰. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بيروت: دارالکتب.
۲۱. سبحانی، جعفر (۱۴۱۸ق)، منشور جاوید، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
۲۲. سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۳)، «رویکرد فرازبان طبیعی: فرض‌ها، مفاهیم و اهداف»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، شماره ۷، صص ۲۳-۴۱.

۲۳. صادقی، حسین (۱۳۷۷)، عمل صالح در قرآن و حدیث، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۲۴. صالحی شهرودی، افراسیاب (۱۳۹۷)، «سنجش کارآمدی معناشناسی علامه طباطبایی و ایزوتسو در مفهوم صدق»، مجله پژوهش دینی، شماره ۲۳، صص ۲۷-۴۵.
۲۵. صفوی، کوروش (۱۳۸۰)، از زبان شناسی به ادبیات، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی وابسته به دفتر جامعه مدرسین.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۸. طوسی، محمدبن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث.
۲۹. طیاری دهاقانی، مصطفی جعفر (۱۳۸۰)، عمل در ترازوی حق (احباط، تکفیر، موازنه)، قم: اسلامی.
۳۰. طیب، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
۳۱. عباسی، مهرداد (۱۳۹۰)، «کاربرد معناشناسی در زمانی در تبیین مفاهیم اعتقادی قرآن: مفهوم الله از نگاه ایزوتسو»، مجله مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۱۷، صص ۱۷-۳۰.
۳۲. عسکری، ابوهلال (۱۴۱۸ق)، الفروق اللغویة، قاهره: دارالعلم و الثقافة.
۳۳. فخرالدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم: مؤسسه دارالهجرة.
۳۵. فولادوند، محمدمهدی (۱۳۷۶)، ترجمه قرآن، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۶. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۷)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۸. گیرتس، دیرک (۱۳۹۳)، نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی، ترجمه کورش صفوی، تهران: نشر علمی.
۳۹. مشکوة الدینی، مهدی (۱۳۷۶)، سیر زبان‌شناسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۴۰. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۲. وهبی، مجدی (۱۹۸۴)، معجم المصطلحات العربیة فی لغة العرب، بیروت: مکتبة الناشرین.
۴۳. نورسیده، علی اکبر و ابوالفضل ترابی (۱۳۹۹)، «معناشناسی واژه "مریة" و مشتقات آن در قرآن کریم بر اساس نظریه ایزوتسو با نقدی بر ترجمه مکارم شیرازی»، فصلنامه مطالعات ادبی و متون اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۰۳-۱۲۵.
۴۴. هاشمی، احمد (۱۴۱۲ق)، جواهر البلاغة، قم: مصطفوی.